

نگاهی تازه به فرهنگ ادات‌الفضلاء و مؤلف آن

علی‌اشرف صادقی

ابوالفضل خطیبی

از اواخر قرن هفتم هجری به بعد، با ظهور سلسله‌های اسلامی در شبه‌قاره هند، مانند غوریان، قتلغ‌شاهیان و گورکانیان، و رواج زبان فارسی در آن دیار و ناآشنایی هندیان با زبان فارسی، فرهنگ‌نویسی فارسی در هند رواج چشمگیری یافت. نخستین فرهنگی که در این دوره تألیف شد، فرهنگ قوّاس (تألیف: حدود ۶۹۰ هجری)، نوشته فخرالدین مبارکشاه غزنوی بود. فرهنگ ادات‌الفضلاء، پس از فرهنگ‌های قوّاس، لسان‌الشعراء از عاشق (تألیف: قرن هشتم)، دستورالافاضل از حاجب خیرات دهلوی (تألیف: ۷۴۳ هجری)، بحرالفضائل از مولانا فضل‌الدین محمدبن قوام (تألیف: ۷۹۵ هجری) و دانشنامه قدرخان از اشرف‌بن شرف مذکر فاروقی (تألیف: ۸۰۷)، ششمین فرهنگ فارسی موجود است که در شبه‌قاره هند نوشته شده (برای سیر فرهنگ‌نویسی فارسی در شبه‌قاره، ← نقوی ۱۳۴۱).

۱- مؤلف و زمان زندگی او

درباره زندگی مؤلف به‌جز شرح کوتاهی که خود او در مقدمه فرهنگ به دست داده، آگاهی دیگری در دست نیست و بخشی از همان (مهاجرت از جونپور به مالوه و تقدیم کتاب به قدرخان، ← پایین‌تر) نیز فقط در یکی از نسخه‌های فرهنگ، یعنی نسخه محفوظ در موزه بریتانیا، مورخ ۱۱۰۲ هجری آمده است. مؤلف خود را چنین معرفی می‌کند: «قاضی‌خان

بدر محمد دهلوی معروف به دهاروال^۱. از نسبت «دهلوی» پیداست که اصل او از دهلوی بوده و «وال» یا «والا» در دُهازوال در زبان هندی پسوند نسبت به معنی ساکن دُهار یا منسوب به دُهار (Storey 1984: III(1)/12). در اوان جوانی گویا در زادگاه خود، دهلوی، نزد قاضی برهان‌الدوله، معروف به بدهان^۲ که او را «مقتدای فضلالی صاحب‌قران و پیشوای بلغای عصر» و شیخ‌زاده عاشق که او را «اکمل نحاریر بلغای دهر» نامیده‌است، درس خواند و «مدتی مدید» به مطالعه دیوان‌های شعرای متقدم و متأخر پرداخت. سپس در زمانی که بر ما پوشیده‌است، از دهلوی به جونپور و پس از تألیف فرهنگ ادات‌الفضلاء، در «سنه اثنین (?) عشر [و] ثمانمیه» از آنجا به نزد قدرخان بن دلاورخان که دربار او مجمع ادبا، شعرا و علمای زمان خود بود، رفت و فرهنگ خود را بدو تقدیم کرد^۳. درباره تاریخ دقیق تألیف کتاب بین دو تاریخ ۸۱۲ یا ۸۲۲ هجری و نیز هویت قدرخان، حامی مؤلف اختلاف نظر هست. چنان‌که ملاحظه می‌شود، تاریخ تألیف فرهنگ به عربی، معادل دقیق هیچ‌یک از دو تاریخ یادشده نیست. اگر «اثنین» را به «اثنی» تصحیح کنیم، تاریخ ۸۱۲ هجری و اگر «عشر» را به «عشرین» تصحیح کنیم، تاریخ ۸۲۲ هجری به دست می‌آید. از همین رو، برای تألیف فرهنگ، برخی (مثلاً ← Blochmann 1868, p. 7) تاریخ اولی و برخی دیگر (← Rieu 1881, Vol. II/491/1؛ داعی‌الاسلام ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۱۰؛ نفیسی ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۹۴؛ نقوی ۱۳۴۱، ص ۵۹؛ دبیرسیاقی ۱۳۶۸، ص ۵۳) تاریخ دومی و دیگران (منزوی ۱۳۵۰، ج ۳،

۱. دُهار در دُهازوال (Dharwal)، شهری است در ایالت مالوه در مرکز هند که نخستین تختگاه شاهان مالوه یا بنی‌غوری (حکومت: ۸۰۴-۸۴۰ هجری) بوده (برای شاهان این خاندان، ← شهاب حکیم ۱۹۶۸، ص ۱۶-۲۷؛ هندوشاه ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۱۹۸-۱۷۱؛ زامباور ۱۳۵۶، ص ۴۳۱). برخی (انجو شیرازی ۱۳۵۱، ص ۵؛ نیز ← نقوی ۱۳۴۱، ص ۶۰؛ دبیرسیاقی ۱۳۶۱، ص ۵۳؛ Hadi 1995, p. 112) نام اشهر مؤلف را به صورت دهارپوال نیز آورده‌اند. از نسبت دُهاروال پیداست که مؤلف قاعدتاً باید با ناحیه دُهار ارتباط داشته باشد، ولی تنها اطلاعی که او به دست می‌دهد، این است که از جونپور به چندیری نزد قدرخان رفته‌است (← سطور بعد). شاید پیش از عزیمت به چندیری، یا زمان دیگری، مدتی در دُهار سکونت کرده باشد.

۲. این نام در فهرست ریو (Rieu 1881: II/491/1) «دهانه» ضبط شده‌است، ولی در نسخه‌های ادات‌الفضلاء، از جمله نسخه موزه بریتانیا که اساس نوشته ریو است، آشکارا آمده‌است: «معروف بیدهان»

۳. ما نمی‌دانیم چرا این بخش از مقدمه ادات‌الفضلاء، که بی‌گمان به قلم نویسنده آن است - چنان‌که گفته شد - در بیشتر نسخه‌ها نیست. شاید دهاروال پس از درگذشت ولی نعمت خود قدرخان و رقابت اعضای خاندان دلاورخان بر سر حکمرانی مالوه، ترجیح داده‌است که بخش تقدیم‌نامه مقدمه فرهنگ خود را حذف کند. البته این احتمال را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت که چه بسا کاتبی نزدیک به عصر مؤلف فرهنگ، به سبب نارضایتی از شاهان مالوه، این بخش از مقدمه را حذف کرده باشد.

ص ۱۹۱۹؛ نوشاهی ۱۳۸۸، ص ۲۳۵) هردو تاریخ را در نظر گرفته‌اند.^۱ از آنجا که دهاروال، قدرخان را شهریار نامیده و او را با القابی چون «خاقان اعظم و خان معظم» ستوده، برخی او را با هوشنگ ألب‌خان بن دلاورخان دومین پادشاه شاهان مالوه یا بنی‌غوری که از ۸۰۸ تا ۸۳۸ فرمان می‌راند، یکی انگاشته‌اند (← داعی‌الاسلام، همانجا؛ دبیرسیاقتی ۱۳۶۱، ص ۵۳؛ ذاکرالحسینی ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۷؛ نوشاهی، همانجا)، ولی در هیچ‌یک از منابع تاریخی آن دوران هند، هوشنگ ألب‌خان به قدرخان نامبردار نبوده‌است. از عنوان «قاضی» در نام دهاروال برمی‌آید که شاید زمانی در دهار در منصب قضا نشسته باشد. نبی‌هادی بدون اشاره به منابع خود می‌نویسد دهاروال به دعوت قدرخان، مؤسس سلسله مالوه از دهلی به دهار رفت و از سوی او مقام قضا یافت (Hadi 1995, p. 112)؛ ولی - چنان‌که گفته شد - مؤسس سلسله شاهان مالوه (برای شرح پادشاهان این سلسله، به‌ویژه مؤسس آن، ← علوی، ص ۱۴-۲۸) در همه منابع دلاورخان است نه قدرخان و با اینکه در منابع آن دوران هند، دربارهٔ عزیمت دهاروال به دهار و دستیابی او به مقام قضا اطلاعی در دست نیست، ولی ممکن است چنین اتفاقی افتاده باشد.

از میان اعضای خانوادهٔ دلاورخان، آگاهی ما از پسر او قدرخان اندک است. در تاریخ محمدی (تألیف: ۸۳۹ هجری) گزارش کوتاهی دربارهٔ او آمده‌است که دست‌کم هویت و محل حکومت او را روشن می‌سازد. بنابر این گزارش، «در عهد او (هوشنگ بن دلاورخان) فتوحات عظیم برآمد و مهمات اهم مکفی گشت و بعد از چند سال چون برادر او قدرخان ستوده‌خصال از سرای مستعار انتقال کرد، خطهٔ چندیری در تحت تصرف سلطان هوشنگ درآمد» (محمد بهادرخان، ج ۳، برگ ۱۲۷ پشت). از این گزارش برمی‌آید که در زمان فرمانروایی هوشنگ، برادرش قدرخان بر چندیری (امروزه شهری کوچک در ایالت مادیاپرادش) حکم می‌راند. شاهد دیگری که این نظر را تأیید می‌کند، این است که پیش از دهاروال، فرهنگ‌نویس دیگری به نام اشرف‌بن شرف‌مذکر فاروقی، از اهالی چندیری، فرهنگی فارسی به فارسی تألیف می‌کند و آن را دانشنامهٔ قدرخان می‌نامد و در ۸۰۷ هجری به حامی خود، قدرخان، تقدیم می‌کند. این تاریخ دو سال پیش از مرگ دلاورخان در ۸۰۹ هجری^۲

۱. در نسخهٔ موزهٔ کراچی (← نوشاهی ۱۳۶۳، ص ۳۲۷؛ نوشاهی ۱۳۸۸، ص ۲۳۵) تاریخ ۸۳۲ هجری نیز برای تألیف این فرهنگ آمده‌است (قس: حاجی خلیفه ۱۳۶۰ هجری، ج ۱، ص ۴۴ که نوشته‌است این فرهنگ در ۸۲۳ برای قدری‌خان (!) نوشته شده‌است).

۲. برخی منابع تاریخ مرگ دلاورخان را در ۸۰۸ هجری گزارش کرده‌اند (فرشته ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۱۷۳؛ نیز ← زامباور، همانجا؛ برای بحثی دربارهٔ هردو تاریخ، ← Bazmee Ansari 1982, p. 276).

(برای این تاریخ، ← شهاب حکیم ۱۹۶۸: ۱۶) است و از این دعای فاروقی در مقدمه فرهنگ (۲۰۱۳، برگ ۸ پشت) در حق ولی نعمت خود که «خداوند جلّ و علا خطاب این والی را از خانی به شاه‌ی منور و مشهور گرداند»، برمی‌آید که قدرخان در زمان پدر خود، دلاورخان نیز از سوی او والی چندیری بوده، ولی پس از مرگ دلاورخان، در زمان پادشاهی برادرش هوشنگ شاه، گویا در این شهر به استقلال فرمان می‌رانده است؛ زیرا دهاروال در مقدمه ادات الفضلاء حامی خود را شهریار نامیده و با القابی چون «خاقان اعظم و خان معظم» او را نیک ستوده است. گذشته از این، از این گزارش تاریخ محمدی (← بالاتر) که پس از مرگ قدرخان «خطه چندیری در تحت تصرف سلطان هوشنگ درآمد»، برمی‌آید که قدرخان در قلمرو خود به استقلال حکم می‌رانده است. تاریخ درگذشت قدرخان دانسته نیست، ولی از آنجا که دهاروال ادات الفضلاء را در ۸۱۲ هجری (یا ۸۲۲) به او تقدیم کرده است، می‌توان این تاریخ را بین ۸۱۲ تا ۸۳۸ هجری (سال درگذشت هوشنگ) محدود کرد. باری، چنان‌که از مقدمه هردو فرهنگ تقدیمی به قدرخان (دانشنامه قدرخان و ادات الفضلاء) پیداست، این حاکم شهر کوچک چندیری به‌واقع پشتیبان ادبا و فضلالی عصر خود بوده است.^۱

از دیگر آثار دهاروال، فرهنگی است عربی به فارسی به نام دستورالاخوان که نام او در مقدمه این فرهنگ «قاضی خان بدر محمد دهار» آمده است (دهار ۱۳۴۹، ص ۲). برخی پژوهندگان معاصر (مثلاً ← نجفی اسداللهی ۱۳۴۹، ص پنج؛ دبیرسیاقتی ۱۳۶۱، ص ۵۳؛ ذاکرالحسینی، همانجا؛ فرهانی منفرد، ص ۸۳۲)، با استناد به مقدمه ادات الفضلاء یا به نقل از ریو، آورده‌اند که دهاروال به‌جز این دو فرهنگ، کتاب دیگری نیز در تذکره احوال شاعران داشته است، ولی نه در مقدمه ادات الفضلاء (و نه در مقدمه دستورالاخوان) به چنین تذکره‌ای اشاره شده و نه در شرح ریو از دهاروال و نسخه ادات الفضلاء در موزه بریتانیا. فقط ریو با استناد به مقدمه ادات الفضلاء به این نکته اشاره دارد که دهاروال افزون بر استفاده از لغات فرهنگ‌های پیش از خود، نام‌های پادشاهان و کشورها و نیز اصطلاحات شعری موجود در دیوان‌های شاعرانی چون خاقانی، انوری، فاریابی، فردوسی و سعدی را در فرهنگ خود آورده است.^۲ آگاهی دیگری از دهاروال در دست نیست، جز آنکه به گزارش

۱. نجفی اسداللهی (۱۳۴۹، ص پنج و شش) حدس می‌زند که قدرخان مذکور همان قدرخان لکنهویی است که از سال ۷۲۶-۷۴۰ هجری از جانب سلاطین دهلی بر بنگاله فرمان می‌راند. پس دهاروال در اوایل قرن هشتم هجری می‌زیسته و تاریخ ۸۱۲ یا ۸۲۲ هجری تاریخ استنساخ ادات الفضلاء است نه تألیف آن؛ ولی این حدس به‌هیچ‌روی مقرون به صواب نیست و - چنان‌که بالاتر توضیح داده شد - با گزارش دهاروال و منابع دیگر همخوانی ندارد.
۲. چنین می‌نماید انتساب نادرست کتابی در تذکره شاعران به دهاروال در نتیجه ترجمه شتاب‌زده و نادرستی از این جمله ریو باشد:

کشف‌الظنون (حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۴۴) او از اجداد علامه قطب‌الدین مکی، مصنف البرق الیمانی بوده است. از آنجاکه کهن‌ترین نسخه دستورالخوان به قلم موسی بن نصیرالدین بن شمس‌الدین در ۸۲۷ هجری کتابت شده است، نجفی اسداللهی (۱۳۴۹، ص شش) نوشته است که «عاده قاضی خان خود باید چند سال پیش از این تاریخ زیسته باشد» (کذا!). ولی از تاریخ مذکور درباره زمان حیات مؤلف هیچ نتیجه‌ای به دست نمی‌آید.

۲- ادات الفضلاء و منابع آن

عنوان این فرهنگ در نسخه بادلیان به سه صورت آمده که دو صورت آن در خارج از متن اصلی در صفحات آغازین آن دیده می‌شود: یک جا به نادرست، «فرهنگ اداب الفضلات (برگ ۱ پشت) و در جای دیگر، «فرهنگ اداة الفضلاء» (برگ ۲ رو)، ولی در مقدمه این نسخه به قلم دهاروال و نیز در مقدمه سه نسخه دیگر (س، ب، آ) فقط به صورت اداة الفضلاء و در نسخه موزه بریتانیا به صورت ادات الفضلاء آمده است.

این فرهنگ، که بدون شاهد است^۱، به دو بخش بزرگ تقسیم شده است: قسم اول «در لغات فارسی» و قسم دوم در «اصطلاح شعرا». قسم اول بر اساس حرف نخست و هر قسم خود بر اساس حرف دوم^۲ و آخر کلمات مرتب شده است. مؤلف منابع فرهنگ خود را چنین معرفی کرده است:

۱. «فرهنگ‌نامه فخر قواس»: همان فرهنگ قواس از فخرالدین مبارکشاه قواس غزنوی (تألیف: اواخر قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم هجری)^۳.

۲. «رسالة النصیر»: از این فرهنگ و نام مؤلف و زمان تألیف آن اطلاعی در دست نیست. مؤلف فرهنگ جهانگیری از این فرهنگ و نیز از فرهنگ دیگری با عنوان «فرهنگ

To the above he added other words, names of kings and countries, etc., collected by him in the Dīvāns, as well as poetical phrases used by Khāḳānī, Anvari, Fāriyābī, Firdausī, Sa'di and other classical poets (Rieu 1881, Vol. II, 491/2).

در مقدمه ادات الفضلاء که اساس نوشته ریو است، چنین آمده است:

لغات دیگر و اسامی سلاطین و بلدان و امثال آن، که در فرهنگ‌نامه‌های مذکور مسطور نیست و بنده را از اساتذۀ مذکور و قراءت دواوین مع اختلاف الاخوانین محقق شده، آن نیز با این لغات ضم کرده و اصطلاحات و تراکیب اشعار دیوان خاقانی و انوری و فاریابی و فردوسی و نظامی و مشاهیر شعرای دیگر و سعدی که دانستن آن نیز ناچار بود بر اندازه فهم خود چنانچه از اساتذۀ مسموع بود، مؤلف گردانید.

۱. از میان نسخه‌های ادات الفضلاء، نسخه موزه بریتانیا مشحون است از شواهد شعری که - چنان‌که در معرفی این نسخه نشان داده خواهد شد - از افزوده‌های بعدی است.

۲. در چند قسم ترتیب الفبایی حرف دوم کلمات لحاظ نشده است.

۳. به کوشش نذیر احمد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۳ (چاپ دوم).

سعیدبن نصیربن تمیم الغزنوی، معروف به سخن‌نامه نظامی» در زمره منابع خود نام برده است و ذکر جداگانه این دو فرهنگ که از هیچ یک نشانی در دست نیست، نشان می‌دهد که قاعدتاً باید دو فرهنگ جداگانه باشند (قس: دبیرسیاقی ۱۳۶۸: ۵۲، ۱۱۳-۱۱۴). بجز در مقدمه ادات الفضلاء، در متن آن نیز دو بار ذیل واژه‌های «برزن» و «دژخیم» به رساله النصیر اشاره شده است.

۳. «اسدی طوسی»: همان کتاب لغت فرس از ابومنصور علی بن احمد اسدی طوسی (تألیف: بین ۴۶۵ تا ۴۷۵ق؛ برای این تاریخ، ← صادقی ۱۳۹۳: ۶۰۳)، کهن‌ترین فرهنگ فارسی به فارسی موجود با شواهد شعری. دهاروال در متن فرهنگ خود نیز، ذیل واژه فرغند به این فرهنگ با عنوان «فرهنگ‌نامه اسدی طوسی» اشاره کرده است.

۴. «دستورالافاضل»: نوشته حاجب خیرات دهلوی (تألیف: ۷۴۳).

۵. «لسان الشعراء»: از شخصی با تخلص عاشق^۲ که فرهنگ خود را در عهد تغلق شاه (حکومت: ۷۵۲-۷۹۰ هجری) از سلاطین هند تألیف کرده است. چنان‌که دیدیم، دهاروال در مقدمه خود از شخصی به نام شیخزاده عاشق، در زمره استادان خود نام برده است و برخی همین شخص را با عاشق مؤلف لسان الشعراء یکی انگاشته‌اند (Rieu 1881, Vol. II, 491/2)، ولی نذیر احمد بر آن است که مؤلف لسان الشعراء نویسنده‌ای بوده است با تخلص عاشق و این شخص فرهنگ‌نویس دیگری است جز شیخزاده عاشق. زیرا مؤلف فرهنگ جهانگیری (انجو شیرازی ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۷) در زمره منابع خود هم از فرهنگ شیخزاده عاشق نام می‌برد و هم از لسان الشعراء (نذیر احمد ۱۳۷۴، ص ۳-۴). باین همه، این احتمال را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت که مؤلف فرهنگ جهانگیری به‌واقع از همه ۴۵ فرهنگ نام‌رفته در مقدمه کتابش بهره نگرفته و فقط نام برخی از آن‌ها را از روی فرهنگ‌های دیگر نوشته و بدین سان یک فرهنگ را که در یکی از منابع او با عنوان لسان الشعراء آمده بوده و در منبع دیگر با نام نویسنده‌اش (فرهنگ شیخزاده عاشق)، دو فرهنگ جداگانه انگاشته و ثبت کرده است. قرینه دیگری که این احتمال را تقویت می‌کند، این است که از فرهنگی به نام «فرهنگ شیخزاده عاشق» هیچ اطلاعی جز ذکر نام آن در مقدمه فرهنگ جهانگیری (انجو شیرازی، همانجا) در دست نیست، ولی می‌دانیم که مؤلف لسان الشعراء در بیتی تخلص خود، یعنی عاشق، را آورده است (عاشق ۱۳۷۴، ص ۵۶).^۳ همچنین دهاروال - چنان‌که دیدیم - از میان دو

۱. به کوشش نذیر احمد، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲.

۲. به کوشش نذیر احمد، راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلوی نو، ۱۳۷۴ / ۱۹۹۵.

۳. دعا عاشق چنین گوید شب و روز / جهان تا هست بادا شاه فیروز

استاد خود، از شیخ زاده عاشق نام برده و لسان‌الشعراء را هم در زمره منابع خود آورده و به نظر می‌رسد همین استاد شاگرد خود را به فن فرهنگ‌نویسی علاقه‌مند کرده باشد. اگر این شیخ‌زاده عاشق فرهنگ دیگری جز لسان‌الشعراء می‌داشت، لابد دهاروال از فرهنگ استاد خود نام می‌برد و از آن استفاده می‌کرد. گذشته از این، عنوان کامل فرهنگ عاشق در پایان مقدمه لسان‌الشعراء چنین است: «لسان‌الشعراء و بیان‌الفضلاء» و شاید دهاروال عنوان فرهنگ خود را به تأثیر از بخش دوم عنوان فرهنگ استاد خود، یعنی «بیان‌الفضلاء»، ادات‌الفضلاء نام نهاده باشد. استفاده دهاروال از لسان‌الشعراء به اندازه‌ای است که به نوشته مؤلف فرهنگ مؤیدالفضلاء (تألیف: ۹۲۵ هجری)، در ادات‌الفضلاء، همه لغات لسان‌الشعراء گنجانده شده است (مثلاً ← لاد دهلوی، ج ۱، ص ۴۳۱: «و ادات‌الفضلاء که جامع لغات لسان‌الشعراء و غیر آن است»؛ نیز ← همان، ج ۱، ص ۱۵۰: «و در لسان‌الشعراء که مرجع ادات‌الفضلاء است...»؛ نیز، نذیر احمد ۱۳۷۴، ص ۳).

۶. «فواید برهانی»: از این فرهنگ هیچ اطلاعی در دست نیست و گذشته از ادات‌الفضلاء، در زمره منابع فرهنگ جهانگیری نیز از آن نام رفته است (انجو شیرازی ۱۳۵۱-۱۳۵۴، ص ۵).

۷. «فردوسی»: ذکر نام فردوسی در کنار فرهنگ‌های فارسی دیگر حاکی از آن است که در اینجا منظور نام شخص فردوسی، شاعر پرآوازه نیست، بلکه کوتاه‌شده فرهنگی است که پیش از دهاروال تألیف شده و از جمله منابع فرهنگ زفان گویا، که در همان قرن هشتم (مقارن تألیف ادات‌الفضلاء) نوشته شده، نیز بوده است. در فرهنگ زفان گویا نزدیک ۲۰ بار در معانی برخی واژه‌ها به این عبارت برمی‌خوریم: «در فردوسی است...» یا «فردوسی گوید...» (مثلاً، ← بدرالدین ابراهیم ۱۳۸۱، ذیل ببر بیان، خروش، دهاز)، ولی تنها در یک جا، ذیل واژه تلک نام فرهنگ، «فرهنگ‌نامه فردوسی» ذکر شده است: «تلک: «ادرك» و در فرهنگ‌نامه فردوسی است تلک «دانه» باشد که به تازی آن را جلبان گویند» (همان، ص ۶۲). از برخی واژه‌های منقول از این فرهنگ‌نامه، از جمله ببر بیان، خروش، راغ، زکان (یا ژکان)، شید، کبست، کهد و کوپال پیدا است که واژه‌های شاهنامه فردوسی را دربر داشته است، ولی از آنجا که برخی دیگر از واژه‌های منقول از این فرهنگ در شاهنامه نیست (مانند میزد، کلابه و دهاز)، به نظر نمی‌رسد که فرهنگ‌نامه فردوسی مختص واژه‌های شاهنامه بوده باشد (برای هویت این فرهنگ و شواهد منقول از آن، ← خطیبی ۱۳۷۷، ص ۴۳-۴۴).

افزون بر منابع بالا، دهاروال در متن فرهنگ نیز در یک جا ذیل واژه خنجک به فرهنگ دیگری با عنوان اجمال اشاره کرده و در حاشیه نسخه بادلین عنوان کامل‌تر آن اجمال حسینی آمده است. از این فرهنگ اطلاع دیگری در دست نیست، جز آنکه در فرهنگ مجمع‌الفرس (تألیف: ۱۰۲۸ هجری) ذیل دو واژه ژنگدان (سروری ۱۳۳۸، ج ۲، ص ۷۰۵) و ساسان (همان، ج ۲، ص ۷۸۳) به این فرهنگ با عنوان اجمال حسینی اشاره شده است. سروری ذیل واژه ساسان چنین نوشته است: «در اجمال حسینی و ادات‌الفضلاء به معنی "گدا" هم آید.»

فرهنگ ادات‌الفضلاء یکی از منابع مهم فرهنگ‌نویسان بعدی بوده و بسیاری از آن‌ها چه در مقدمه و چه در متن کتاب خود به این فرهنگ اشاره کرده‌اند. از آن جمله‌اند: شرف‌نامه منیری (تألیف: ۸۷۸ هجری) (← قوام فاروقی ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۱۶، ذیل زاور)، مؤیدالفضلاء (تألیف: ۹۲۵ هجری) (محمدلاد ۱۳۰۲ هجری، ص ۲)؛ مدارالافاضل (تألیف: ۱۰۰۱ هجری) (فیضی سرهندي ۱۳۳۷، ص ۳)؛ فرهنگ جهانگیری (تألیف: ۱۰۰۵-۱۰۱۷ هجری) (انجو شیرازی ۱۳۵۱-۱۳۵۴، ص ۵)؛ فرهنگ درّ دری از علی یوسف شیروانی (تألیف: ۱۰۱۸ هجری) (نسخه خطی محفوظ در انجمن آسیایی بنگال؛ ← Ivanow 1924, Vol. I, p. 376). لغت‌نامه، با عنوان‌هایی چون «ادات‌الفضلاء» و «ادات»^۱ (دهخدا ۱۳۷۷، ذیل شنگ، سابود، نوان، نشیمه و جز آن‌ها). از میان این فرهنگ‌ها، سروری در مجمع‌الفرس بیش از دیگران از ادات‌الفضلاء بهره برده و بیش از دویست بار (۲۱۰ مورد) در معنی واژه‌ها و ضبط و تلفظ آن‌ها از این فرهنگ به نام نقل کرده است.

۳- ویژگی‌های ادات‌الفضلاء

برخی ویژگی‌های ادات‌الفضلاء به شرح زیر است:

۱. از ویژگی‌های مهم این فرهنگ این است که مؤلف از فرهنگ‌هایی بهره برده که امروزه نسخه‌ای از آن‌ها باقی نمانده است؛ از آن جمله‌اند: رساله‌النصیر، فواید برهانی، فرهنگ‌نامه فردوسی و اجمال حسینی (← بالاتر).
۲. در معنی بسیاری از لغات معادل‌های عربی و هندی لغات را نیز به دست داده است. به نظر می‌رسد از میان فرهنگ‌های موجود، ادات‌الفضلاء نخستین فرهنگی است که در آن معادل هندی بسیاری لغات آمده باشد.

۱. ولی هر جا مؤلفان لغت‌نامه به «دهار» استناد کرده‌اند، مراد فرهنگ دیگر دهاروال، یعنی دستورالاحوان است (مثلاً ← ذیل دباء، دستار، دباح)

۳. این فرهنگ فقط لغات فارسی را دربر ندارد، بلکه برخی لغات عربی (مانند سنجق، که اصل آن ترکی است، دغدغه، و غاریقون) و ترکی (مانند خرخشه، سن‌سن، و یلواج) را نیز شامل می‌شود.

۴. از آنجاکه مؤلف فرهنگ هندی است، گاهی فقط معادل هندی لغات را در جلو آن‌ها نوشته است. مثلاً ذیل مدخل وردوک، فقط نوشته است: «چهپر» که لغتی است هندی به معنی «آنچه از کاه و نی راست کنند» (دهخدا).

۵. فرهنگ‌نویسان هندی بدان سبب که زبان فارسی زبان دوم ایشان بود و به زبان فارسی تسلط کافی نداشتند، برخی واژه‌ها را بد خوانده و تصحیف و تحریف کرده‌اند و این تحریفات و تصحیفات در نخستین فرهنگ‌های نوشته شده در هند، از جمله فرهنگ قواس، لسان‌الشعراء و دستورالافاضل آشکارا دیده می‌شود. هریک از این فرهنگ‌ها از جمله ادات‌الفضلاء، هم تحریفات و تصحیفات منابع خود را منتقل کرده و هم با بدخوانی‌های خود، تحریفات و تصحیفات دیگری را در کتاب خود آورده و به فرهنگ‌های بعدی، به‌ویژه برهان قاطع انتقال داده‌اند. در مورد اول، می‌توان لغت برمر به معنی «انتظار» را مثال آورد که همراه با ترکیبات آن (برمر داشتن و برمر گرفتن) در متون فارسی شاهد دارد. پیش از ادات، در لسان‌الشعراء (عاشق ۱۳۷۴، ص ۱۱۹) این لغت به صورت پرمر آمده و در زفان‌گویا (بدرالدین ابراهیم ۱۳۸۱، ص ۴۳) و ادات‌الفضلاء هم صورت پرمر ضبط شده و هم صورت مصحف پرمر بدان افزوده شده است. فرهنگ‌های بعدی همین دو صورت را از فرهنگ‌های مذکور گرفته و صورت‌های مصحف دیگری را نیز به این دو افزوده‌اند، تا آنجا که در برهان قاطع افزون بر این دو صورت، شش صورت مصحف دیگر از این لغت درج شده است: برمو، پرمو، پر مور، پر موز و پر موزه (← برهان ۱۳۷۶، ذیل همین لغات). صورت درست برمر و هفت صورت مصحف آن در لغت‌نامه دهخدا نیز مدخل شده‌اند.

۶. این فرهنگ افزون بر لغات، اسامی تاریخی و جغرافیایی را نیز دربر دارد.

۴- نسخه‌های خطی ادات‌الفضلاء

چنان‌که گفته شد فرهنگ ادات‌الفضلاء همواره مورد توجه فرهنگ‌نویسان بعد از خود بوده و از این رو برخلاف دانشنامه قدرخان - که تنها یک نسخه از آن باقی مانده - نسخه‌های بازمانده از آن اندک نیست. در زیر، همه نسخه‌های شناسایی شده به ترتیب تاریخ کتابت آن‌ها به اختصار معرفی می‌شوند:

۱. نسخه دانشگاه پنجاب در لاهور به شماره ۶۲۴۶ (شیرانی) به خط نسخ کهن (نوشاهی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۹۲). این نسخه فقط حدود نیمی از فرهنگ، از آغاز تا اوایل حرف «ش» را دربر دارد و با مدخل «شاهتَرَه: تره معروف» متن آن قطع می‌شود. بنابراین، نه از نام کاتب آن آگاهی داریم و نه از تاریخ کتابت آن. نوشاهی (همانجا) براساس خط نسخه (نسخ کهن) حدس می‌زند که در قرن نهم هجری، یعنی همان قرنی که فرهنگ تألیف یافته، کتابت شده‌است.

۲. کراچی، حدود قرن ۹ هجری، نسخه موزه کراچی، به نشان N. M. 1967-107 (نوشاهی ۱۳۶۳، ص ۳۲۷).

۳. استانبول، حدود قرن ۱ هجری: نسخه محفوظ در کتابخانه فاتح در استانبول ترکیه به شماره ۵۱۵۹. این نسخه انجامه دارد، ولی کاتب نه نام خود را ثبت کرده و نه تاریخ کتابت را، فقط نوشته‌است: «تم بعون الله و توفيقه». در نخستین صفحه بدرقه، نوشته شده‌است که این نسخه به کتابخانه «سلطان الغازی محمودخان» وقف شده‌است. محمودخان مذکور در این نوشته، به احتمال قوی همان سلطان محمودخان، پادشاه عثمانی است که از ۱۱۴۲-۱۱۶۷ هجری / ۱۷۳۰-۱۷۵۴ میلادی فرمان می‌راند. بنابراین، این نسخه ادات‌الفضلاء در زمانی پیش از درگذشت محمودخان در ۱۱۶۷ هجری به کتابخانه این پادشاه وقف شده‌است. با توجه به این تاریخ و خط نسخه، احتمالاً نسخه مذکور در حدود قرن دهم یا یازدهم هجری کتابت شده‌است.

۴. پاریس، حدود قرن ۱۰ هجری: نسخه محفوظ در کتابخانه ملی پاریس به شماره ۹۷۲، ۱۸۵ برگ (Blochet 1905, Vol. II, p. 973).

۵. بادلیان، مورخ پیش از ۱۰۲۳ هجری: این نسخه در کتابخانه بادلیان - که اکنون به موزه بریتانیا در لندن انتقال یافته‌است - به شماره ۱۷۱۶ نگهداری می‌شود (برای معرفی این نسخه، ← Ethé 1889, Vol. I, p. 1005) و از معتبرترین نسخه‌های این فرهنگ محسوب می‌شود. این نسخه مشتمل است بر ۲۴۹ صفحه، به خط نستعلیق که تاریخ کتابت ندارد، ولی بر روی آستر بدرقه و نخستین صفحه بدرقه چند سجع مهر با تاریخ و نیز یادداشت‌هایی از برخی مالکان نسخه با ذکر تاریخ به چشم می‌خورد. کهن‌ترین آن‌ها، سجع مهري است به تاریخ ۱۰۲۳ هجری.

۶. آستان قدس ۱۰۳۵ هجری: این نسخه به شماره ۲۷۵۲۱ در کتابخانه آستان قدس در مشهد نگهداری می‌شود. بنابر انجامه کاتب که خود را محمدحسین بیخودی جنابدی

(گنابادی) معرفی می‌کند، این نسخه در ذی‌القعدة ۱۰۳۵ کتابت شده است. کاتب نسخه گاهی معانی کلمات را با عبارات دیگری نوشته و گاهی نیز خود مطالب عجیبی را در معانی برخی کلمات آورده است.

۷. لاهور ۱۰۳۵ هجری: پنجاب بهلک لائبریری، به شماره ۴۷۳ قاص، مورخ پنجشنبه ۲۱ ذیحجه ۱۰۳۵، ۹۴ برگ [مخطوطات فارسیه منظور احسن عباسی ۲، ص ۷۲] (منزوی ۱۳۵۰، ج ۳، ص ۱۹۱۹).

۸. مدرّس ۱۰۴۶ هجری: کتابخانه دست‌نویس‌های شرقی مدرّس هند (Madras 1893, Vol. I, p. 400a).

۹. نسخه موزه بریتانیا، مورّخ ذی‌الحجه ۱۱۰۲ هجری / ۱۶۹۱ میلادی (بنابر انجامه کاتب در برگ ۹۶ پشت)، به نشان Or. 1262، ۱۰۱ برگ (۲۰۲ صفحه) به خط شکسته‌آمیز نسبتاً خوش‌هندی (Rieu 1881, Vol II, 491/1-492/1). این نسخه سه ویژگی مهم دارد که در هیچ‌یک از نسخه‌های دیگر نیست:

الف) چنان‌که گفته شد (← بالاتر)، این نسخه در میان دیباچه فرهنگ، بخش اضافی مهمی دارد که در آن، از زندگی مؤلف فرهنگ سخن گفته شده است.

ب) در متن و حواشی این نسخه انبوهی از مدخل‌ها آمده که در هیچ‌یک از نسخه‌های در دسترس ما دیده نمی‌شود. چنین می‌نماید کاتب نسخه یا یکی از کاتبان پیش از او، فرهنگ ادات‌الفضلاء را با فرهنگ یا فرهنگ‌های دیگری مقابله کرده و متن اساس خود را تکمیل کرده است.

ج) چنان‌که بالاتر گفته شد، ادات‌الفضلاء شاهد ندارد، ولی در این نسخه برای بسیاری مدخل‌ها شاهد نقل شده که باز هم تقریباً در هیچ‌یک از نسخه‌های دیگر دیده نمی‌شود.

۱۰. دانشگاه پنجاب ۱۲۴۰ هجری: نسخه محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور (پاکستان)، مورّخ یازدهم رجب المرجب ۱۲۴۰ در عهد غازی‌الدین حیدرخان جهان‌پناه خلدالله ملکه، نستعلیق، ۱۳۳ برگ، ۱۷ سطر (نوشاهی ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۹۲).

۱۱. جامعه آسیایی بنگال، بی‌تاریخ (Ivanow 1924, p. 1413).

۱۲. آصفیه، بی‌تاریخ: نسخه محفوظ در کتابخانه آصفیه در حیدرآباد، شماره ۲۵۶

(آصفیه ۱۳۳۱-۱۳۳۲، ج ۲، ص ۱۴۵۰).

۱۳. بادلیان، بی‌تاریخ: افزون بر نسخه مهم ادات‌الفضلاء در کتابخانه بادلیان (← بالاتر)، نسخه دیگری نیز از این فرهنگ در ۱۸۳ صفحه به خط نستعلیق به شماره ۱۷۱۷ در این کتابخانه نگهداری نگهداری می‌شود (Ethé 1889, Vol. I, p. 1005).

۱۴. کیا، بی‌تاریخ: از این نسخه هیچ اطلاعی در دست نیست، فقط دبیرساقی نوشته است که نسخه‌ای از ادات‌الفضلاء در اختیار صادق کیا بوده است (دبیرساقی ۱۳۶۸، ص ۵۴) و کوشش‌های ما نیز برای دسترسی به این نسخه بی‌نتیجه ماند.

منابع

- انجو شیرازی، میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن (۱۳۵۱)، فرهنگ جهانگیری، به کوشش رحیم عفیفی، دانشگاه مشهد، مشهد.
- آصفیه (۱۳۳۲-۱۳۳۳)، فهرست کتب عربی، فارسی و اردو مخزونه کتب‌خانه آصفیه، حیدرآباد.
- بدرالدین ابراهیم (۱۳۸۱)، فرهنگنامه زفان گویا و جهان پویا، فرهنگ لغات فرس، به کوشش حبیب‌الله طالبی، پازینه، تهران.
- برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی (۱۳۷۶)، برهان قاطع، به کوشش محمد معین، امیرکبیر، تهران.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۳۶۰ هجری / ۱۹۴۱)، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، استانبول.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۷۷)، «نگاهی به فرهنگ‌های شاهنامه از آغاز تا امروز»، نامه فرهنگستان، سال ۴، شماره ۳ (شماره مسلسل: ۱۵)، صفحه‌های ۳۷-۵۷.
- داعی الاسلام، سیدمحمدعلی (۱۳۶۴)، فرهنگ نظام، شرکت دانش، تهران.
- دبیرساقی، سیدمحمد (۱۳۶۸)، فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ‌گونه‌ها، اسپرک، تهران.
- دهار، قاضی‌خان بدر محمد (۱۳۴۹)، دستورالاحوان، به کوشش سعید نجفی اسداللهی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷.
- ذاکرالحسینی، محسن (۱۳۸۵)، «ادات‌الفضلاء»، فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی، جلد ۱، به سرپرستی احمد سمیعی (گیلانی)، سروش، تهران.
- زامباور، ادوارد فن (۱۳۵۶)، نسب‌نامه خلفا و شهریاران و سیر تاریخی حوادث اسلام، ترجمه محمدجواد مشکور، کتابفروشی ختّام، تهران.
- سروری، محمدقاسم بن حاجی محمد کاشانی (۱۳۳۸-۱۳۴۱)، مجمع‌الفرس، به کوشش محمد دبیرساقی، علی‌اکبر علمی، تهران.
- شهاب حکیم، علی بن محمود کرمانی (۱۹۶۸)، مآثر محمودشاهی، به کوشش نورالحسن انصاری، جمال پرنتنگ پریس، دهلی.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۹۳)، «لغت فرس»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، جلد ۵، به سرپرستی اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.

عاشق (۱۳۷۴)، فرهنگ لسان الشعراء، به کوشش نذیر احمد، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو.

عرفی شیرازی، جمال‌الدین محمد (۱۳۷۸)، کلیات عرفی، به کوشش محمد ولی‌الحق انصاری، دانشگاه تهران، تهران.

علوی، مولوی امیراحمد صاحب (بی‌تا)، شاهان مالوه، انوار المطابع، لکهنو.

فاروقی، اشرف‌بن شرف‌المذکر (۲۰۱۳)، دانشنامه قدرخان، به کوشش نورالله غیاثاف و رخساره نظام‌الدیناوا، دانشگاه دولتی خجند، خجند.

فخرالزمانی، ملا عبدالنبی قزوینی (۱۳۴۰)، تذکره میخانه، به کوشش احمد گلچین معانی، شرکت اقبال و شرکاء، تهران.

فرشته، محمدقاسم‌بن غلامعلی (۱۳۹۴)، تاریخ فرشته، جلد ۴، به کوشش محمدرضا نصیری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.

فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۷)، «بدر محمد دهار»، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، جلد ۲، به کوشش علی مؤذنی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.

فیضی سرهندی، الله داد (۱۳۳۷-۱۳۴۹)، مدارالافاضل، به کوشش محمد باقر، دانشگاه پنجاب، لاهور، جلد یکم: ۱۳۳۷، جلد دوم: ۱۳۴۵، جلد سوم: ۱۳۴۸، جلد چهارم: ۱۳۴۹.

قوام فاروقی، ابراهیم (۱۳۸۵-۱۳۸۶)، شرفنامه منبری یا فرهنگ ابراهیمی، به کوشش حکیمه دبیران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

لاد دهلوی، محمد (۱۳۰۲ هجری)، مؤید الفضلاء، نولکشور، لکهنو.

محمد بهادرخان، تاریخ محمدی، نسخه محفوظ در موزه بریتانیا در لندن، به نشان Or. 137، ج ۳، ص ۱۲۷ (صفحه‌شمار دیجیتالی).

منزوی، احمد (۱۳۵۰)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، تهران.

نجفی اسداللهی، سعید (۱۳۴۹)، مقدمه دستورالاحوان ← «دهار».

نذیر احمد (۱۳۴۷)، پیشگفتار فرهنگ لسان الشعراء ← عاشق).

نفیسی، سعید (۱۳۶۳)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، فروغی، تهران.

نقوی، شهریار (۱۳۴۱)، فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ، تهران.

نوشاهی، عارف (۱۳۶۳)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان، کراچی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، لاهور.

نوشاهی، عارف (۱۳۸۸)، «دهاروال»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، جلد ۳، به سرپرستی اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.

نوشاهی، عارف (۱۳۹۰)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور پاکستان (مجموعه‌های آزاد، پیرزاده، شیرانی، کیفی و عمومی)، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران.
نوشاهی، عارف (۱۳۹۲)، «دهاروال»، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۸، زیر نظر غلامعلی حدّاد عادل، بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، تهران.

Bazmee Ansari, A. S. (1982), "Dilāwar khān", *The Encyclopaedia of Islam*, New Edition (Vol. II). Ed. By B. Lewis, CH. Pellat and J. Schacht, E. J. Brill, Leiden.

Blochét, Edgar (1905-1934), *Catalogue des manuscrits persans de la Bibliothèque Nationale*, E. Leroux, Paris.

Blochmann, Heinrich Ferdinand (1868), "Contributions to Persian lexicography", *Journal of the Asiatic Society of Bengal*, Part I, No. 1, pp. 1-72

Ethé, Hermann (1903), *Catalogue of Persian Manuscripts in the Bodleian Library*, Clarendon Press, Oxford.

Hadl, Nabi (1995), *Dictionary of Indo-Persian Literature*, Abhinav Publications, Delhi.

Ivanow, Wladimir (1924), *Concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the Collection of the Asiatic Society of Bengal*, the Asiatic Society of Bengal, Calcutta.

Madras (1893), *Alphabetical Index of Manuscripts in the Government Oriental MSS, Library*, Madras.

Rieu, Charles (1895), *Catalogue of Persian Manuscripts in the British Museum, British Museum*, London.

Storey, C. A. (1984), *Persian Literature: A Bio-bibliographical Survey* (Vol. III, Part 1: A. Lexicography), E. J. Brill, Leiden.